سراج

روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۱۶۹۵
۱۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴/ با ما همراه شوید
www.serajonline.com - @serajname

تعرفه‌های جدید آب اعلام شد/ رشد ۲۸ درصدی برای بدمصرف‌ها

وزارت نیرو تعرفه جدید مشترکان آب شرب و بهداشتی را ابلاغ کرد و بر اساس آن تعرفه آب برای بدمصرف‌ها ۲۸ درصد افزایش داشته است.
بر این اساس، بهای آب شرب در سال ۱۴۰۴ به گونه‌ای تعیین شده است که محاسبه آب‌بهای مشترکان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور تا سقف الگوی مصرف، رایگان؛ مشترکان دیگر تا سقف الگوی مصرف به صورت یارانه‌ای و مشترکان پرمصرف تا دو برابر الگوی مصرف با یارانه کم‌تر و در نهایت مشترکان بدمصرف به صورت غیریارانه‌ای و بر اساس الگوی افزایش پلکانی انجام شود.
با توجه به شرایط خشکسالی، محدودیت منابع آبی کشور و لزوم مدیریت مصرف و صرفه‌جویی، بهای آب مصرفی مشترکان نسبت به دوره قبل به طور متوسط ۲۸ درصد رشد داشته است.

اقتصاد جهان

میلیاردر معروف: بحران اقتصادی آمریکا در راه است

میلیارد معروف آمریکایی و بنیان‌گذار بزرگ‌ترین صندوق پوشش ریسک جهان، معتقد است که برای مقابله با پیامدهای اقتصادی تعرفه‌های دونالد ترامپ «خیلی دیر» شده است.
به نقل از سی‌ان‌ان، ری دالیو، میلیارد معروف آمریکایی و بنیان‌گذار بزرگ‌ترین صندوق پوشش ریسک جهان، معتقد است که برای مقابله با پیامدهای اقتصادی تعرفه‌های دونالد ترامپ «خیلی دیر» شده است.
وی در یک پست در شبکه‌های اجتماعی تأکید کرد که نظم اقتصادی جهان که ایالات متحده در مرکز آن قرار دارد، در حال فروپاشی است.
دالیو نوشت: بر اساس بسیاری از شاخص‌های من، به نظر می‌رسد که ما در آستانه فروپاشی نظم پولی، نظم سیاسی داخلی و نظم‌های جهانی و بین‌المللی به دلیل اصول ناپایدار و بد قرار داریم.
وی بنیان‌گذار «بریج‌واتر»، بزرگترین صندوق پوشش ریسک جهان از نظر دارایی، است که به دلیل پیش‌بینی بحران مالی ۲۰۰۸ در وال استریت شهرت یافت.
این میلیاردر همچنین به نوعی به عنوان پیش‌بینی‌کننده دائمی بحران‌ها شناخته می‌شود. سال گذشته وی به وال استریت ژورنال گفت که پیش‌بینی‌اش برای سال ۲۰۲۳ که اقتصاد ایالات متحده وارد بحران بدهی خواهد شد، «اشتباه» بوده است.
دالیو روز دوشنبه در یک پست طولانی در شبکه اجتماعی ایکس (توئیتر سابق) گفت از تعداد زیادی از افراد، از جمله صادرکنندگانی که با ایالات متحده همکاری می‌کنند، شنیده است که «هرچه در مورد تعرفه‌ها اتفاق بیفتد... کاهش شدید وابستگی‌ها به ایالات متحده، واقعیتی است که باید برای آن برنامه‌ریزی کرد.»
وی افزود که کم‌کم همه در حال درک این موضوع هستند که آمریکا نمی‌تواند برای همیشه بزرگترین خریدار کالاهای تولیدشده در جهان باشد و همزمان برای تأمین مالی مصرف زیاد خود، بزرگترین تولیدکننده اوراق قرضه بماند. این وضعیت نمی‌تواند به همین شکل ادامه پیدا کند.
این پست در حالی منتشر می‌شود که سرمایه‌گذاران، رهبران کسب‌وکارها و دولت‌ها در سراسر جهان به شدت به دنبال روشن شدن استراتژی ترامپ در اعمال تعرفه‌ها هستند.
سرمایه‌گذاران خارجی از دارایی‌های پشتیبانی شده با دلار و اوراق قرضه خزانه‌داری ایالات متحده عقب‌نشینی کرده‌اند، چرا که نگرانی‌های گسترده‌ای در مورد ثبات آینده بزرگترین اقتصاد جهان وجود دارد.
اگرچه این اتفاق به سرعت رخ نخواهد داد، اما فعالان بازار و دانشگاهیان به آینده‌ای می‌اندیشند که در آن دلار آمریکا دیگر ارز ذخیره جهانی نخواهد بود.
طبق گفته دالیو که هشدارهایش همراه با تبلیغ کتاب جدیدش بود، سرمایه‌گذاران «ساده لوح» خواهند بود اگر فرض کنند که می‌توانند به ایالات متحده وام بدهند و بازپرداخت آن را به دلار «سخت» دریافت کنند؛ یعنی دلاری که دچار افت ارزش نشود.

بازار سهام | بورس

۷ ریسک بازار سرمایه و راهکارهای پیشنهادی

شرکت‌ها و تمایل سرمایه‌گذاران به ورود یا ماندگاری در بازار نمایان است.
در کنار این دو عامل، استمرار تحریم‌های بین‌المللی همچنان هزینه‌های مبادلاتی بالایی را به شرکت‌های صادرات‌محور و واردکننده مواد اولیه تحمیل می‌کند. معاملات با واسطه، تخفیف اجباری در صادرات و محدودیت در انتقال ارز، همگی از عواملی هستند که ضمن کاستن از سودآوری شرکت‌ها، شفافیت اطلاعات مالی را نیز دچار خدشه کرده‌اند. در چنین شرایطی، تحلیل بنیادی شرکت‌ها بدون درنظرگرفتن این متغیرهای سیاسی و ژئوپلیتیکی، ناقص خواهد بود.ریسک چهارم، به حوزه سیاست‌گذاری داخلی بازمی‌گردد. فقدان ثبات در قوانین و تصمیمات خلق‌الساعه مسئولان که بعضاً در قالب مصوبات شبانه یا ابلاغیه‌های مبهم نمود پیدا می‌کند، نه‌تنها موجب بی‌ثباتی در فضای کسب‌وکار شده، بلکه اعتبار حاکمیت شرکتی را در بازار سرمایه کاهش داده است. تجربه تلخ اردیبهشت ۱۴۰۲ برای فعالان بازار، نمادی از همین تصمیمات غیرشفاف بود که موجب کاهش شدید اعتماد و خروج بخشی از سرمایه‌های حقیقی از بازار شد.
از سوی دیگر، ناپایداری سیاسی در منطقه، تنش‌های نظامی و تهدیدهای ژئوپلیتیکی، همواره یکی از عوامل کلان تهدیدکننده بازار سرمایه در ایران بوده است. در صورت کاهش این مخاطرات، بخشی از سرمایه‌های خرد و سرگردان که اکنون به سمت بازارهایی چون طلا یا ارز متمایل شده‌اند، می‌توانند به سمت بازار سرمایه بازگردند؛ بازاری که با تقویت ابزارهای پوشش ریسک و اطلاع رسانی مناسب این ابزار به سرمایه گذاران خرد، ظرفیت بالایی برای جذب سرمایه‌های مولد دارد. در مورد محدودیت دامنه نوسان نیز، تجربه نشان داده که مداخلات سنگین و بلندمدت در سازوکارهای طبیعی بازار، اگرچه ممکن است در مقاطعی خاص از رفتارهای هیجانی جلوگیری کند، اما در بلندمدت موجب سرکوب کشف قیمت، قفل شدن نقدشوندگی و بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران می‌شود. به‌ویژه در سال‌های اخیر که نهادهای ناظر امکان بازگرداندن محدودیت دامنه را به‌صورت مقطعی و با تصمیم چند دقیقه‌ای دارند، تداوم محدودیت برای مدت طولانی نه‌تنها توجیه علمی ندارد، بلکه با اصول مدیریت حرفه‌ای بازار در تعارض است.در کنار تحلیل ریسک‌ها، باید به راهکارها نیز اندیشید. ساده‌انگارانه است اگر انتظار داشته باشیم ریسک‌هایی که طی سال‌ها شکل گرفته‌اند، در چند ماه از بین بروند. اما بی‌توجهی به آن‌ها، بازار سرمایه را از کارکرد اصلی خود،یعنی تجهیز و تخصیص منابع در اقتصاد واقعی، بازمی‌دارد. در چنین شرایطی، بهترین سپر دفاعی برای سرمایه‌گذاران، نه خروج از بازار، بلکه بهره‌گیری هوشمندانه از ابزارهای مالی نوین است. در این میان، بازار اختیار معامله (آپشن) یکی از جذاب‌ترین و آینده‌دارترین ابزارهای بازار سرمایه ایران محسوب می‌شود. این بازار، که از ارزش معاملات روزانه زیر یک میلیارد تومان آغاز کرده بود، اکنون رکوردهای بالای یک همت را تجربه می‌کند. ابزارهایی مانند اختیار فروش و استراتژی‌های ترکیبی و همچنین استفاده از اختیار خریدهای با اهرم بالا برای بیمه بخش بزرگتری از سرمایه، می‌توانند با استفاده از بخشی از سرمایه، امکان مدیریت ریسک در برابر نوسانات قیمتی را فراهم کنند. ویژگی اهرمی این ابزار، امکان بازدهی بالا با ریسک کنترل‌شده را نیز به‌همراه دارد؛ البته مشروط به آموزش و استفاده حرفه‌ای.
با گسترش سواد مالی و توسعه زیرساخت‌های بازار مشتقات، می‌توان امیدوار بود که بازار اختیار معامله به‌عنوان بازویی توانمند برای کاهش ریسک‌های سیستماتیک و جلب اعتماد فعالان، جایگاه شایسته‌تری در میان ابزارهای مالی کشور پیدا کند. چنین روندی، نه‌تنها به تقویت تاب‌آوری بازار سرمایه می‌انجامد، بلکه گامی مهم در مسیر بلوغ اقتصاد ایران خواهد بود.»

کار آفرینی و اشتغال

افزایش مزد کارگران کمتر از تورم در ۷ سال اخیر

مشاور وزیر کار گفت: برای حدود ۷سال متوالی از سال ۹۷ به این طرف، همیشه حداقل دستمزد کمتر از تورم بوده، آیا این باعث کاهش تورم شده است؟

اوایل بهمن ماه ۱۴۰۳ بود که کمیته دستمزد میزان عدد و رقم سبد معیشت را با محاسبه تورم دی ماه ۱۴۰۳ حدود ۲۳میلیون و ۴۹۰ هزار تومان تعیین کرد.
در جلسه مذکور رقم مورد توافق برای اقلام خوراکی ۹۱،۱۸۸،۰۷۶ ریال و اقلام غیرخوراکی هم ۱۴۳،۲۲۸،۵۷۲ ریال اعلام شده است که در مجموع این رقم سبد هزینه مطابق آمار دی ماه ۱۴۰۳برابر با ۲۳۴،۴۱۶،۶۴۸ ریال یعنی ۲۳ میلیون و ۴۴۱ هزار و ۶۴۸ تومان محاسبه شد. قرار بود این محاسبه با نرخ تورم بهمن ماه به روز و ملاکی برای محاسبه دستمزد در شورای عالی کار باشد، برخی از نمایندگان کارگری قبل از جلسه تعیین مزد شورای عالی کار اعلام کردند که عدد و رقم سبد معیشت بیش از ۲۴میلیون تومان است.
با توجه به عقب ماندگی دستمزد و افزایش چند باره قیمت ها یکی از انتقادات نمایندگان کارگری در فرآیند تعیین مزد، این بود که دستمزد با نرخ تورم امسال محاسبه می شود، اما در سال آینده به دلیل افزایش تورم و افزایش چند باره قیمت ها ارزش خود را از دست می دهد.
۲۵اسفند ماه جلسه شورای عالی کار تشکیل و حداقل حقوق کارگران در سال ۱۴۰۴ با افزایش ۴۵درصدی تصویب شد. حداقل حقوق پایه از ۷،۱ میلیون تومان به ۱۰،۳۹۹ هزار تومان رسید. به نوعی فاصله دستمزد تصویبی با هزینه سبد معیشت حدود حدود ۱۳ میلیون و ۴۲ هزار تومان است.
علی خدایی، عضو کارگری شورایعالی کار در ارتباط با پیشنهادات دولت و کارفرمایان گفت: اصرار دولت و کارفرمایان بر افزایش ۳۵ درصدی حداقل مزد بود؛ آن‌ها منظورشان از «تورم به علاوه یک عددی»، ۳۲درصد به اضافه ۳درصد یا همان ۳۵درصد بود. دولت هم البته همین نظر را هم داشت، با چانه‌زنی و اصرار گروه کارگری به ۴۵درصد رسیدیم.
وی گفت:امیدواریم با اعمال افزایش مزد بالاتر از نرخ تورم در چند سال پیاپی، فاصله عمیق دستمزد و سبد معیشت از میان برداشته شود. روند کار به نسبت سال‌های قبل، بهتر و منطقی‌تر بود اما در مورد مزد حاصله، نمی‌توان رضایت کامل داشت؛ ما وقتی از نتیجه کار رضایت کامل داریم که حداقل دستمزد به اندازه سبد معیشت مصوب شده باشد. قبول داریم که افزایش ۴۵درصدی دستمزد بازهم برای تامین هزینه‌های زندگی خانواده‌های کارگری کافی نیست.در روز گارگر سال جاری نیز علی خدایی , نماینده کارگران در شورای عالی کار گفت:پس از سال‌ها کشمکش، در تصمیم مزدی امسال روند صحیحی داشتیم که توام با چانه‌زنی بود، مزدی مصوب شد که رضایت نسبی جامعه کارگری را به همراه داشت. خدایی گفت: پیام ما به مسئولان این است که شما با چنان جامعه نجیبی از کارگران مواجه هستید که حتی وقتی نیمی از سبد حداقل معیشت و حق حقیقی خود را دریافت می‌کنند نیز قدردانی کرده و اعتراض نکردند.
وی تاکید کرد: ما هرگز از مذاکرات خود رضایت قلبی نداریم چون همواره کمتر از حق خود را گرفتیم اما متانت و شرافت کارگران خود را در این دوره دیدیم زیرا برخلاف گذشته به نمایندگان کارگران توهین نشد. امسال با وعده‌ای که طی سه سال فاصله و شکاف مزد و هزینه‌های حداقل معیشت پر شود، ما به این مزد راضی شدیم و اگر کسانی پس از ما بودند، باید پیگیر این وعده باشند.تورم به عنوان یکی از چالش‌های اقتصادی کشورها، تأثیرات زیادی بر زندگی مردم و کارکرد اقتصادی کشور دارد. در شرایطی که تورم در سطح بالایی قرار دارد، قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد و فشار زیادی به طبقات متوسط و پایین جامعه وارد می‌شود. یکی از مسائلی که در این راستا اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده، ضرورت کنترل تورم و افزایش مزد واقعی است.هرساله هنگام تعیین دستمزد یک جدال پیش می‌آید بر سر اینکه؛ میزان افزایش دستمزد کارگران تورم‌زا است یا نه؟ اما برخی کارشناسان اقتصادی اعتقاد دارند تورم حاصل پیشی گرفتن نرخ تقاضا بر نرخ عرضه است؛ لاجرم «افزایش دستمزد» تنها در صورتی می‌تواند تورم ایجاد کند که «تقاضای اضافی و مازاد» به وجود بیاورد، این در حالی است که دستمزد فعلی کارگران کفاف هزینه‌های آنها را نمی‌دهد. تحلیلگران بازار معتقدند زمانی که سیاست‌های کنترل تورم به‌خوبی عمل نکرده است، «تورم» موجب می‌شود اثر افزایش دستمزد از میان برود، لذا افزایش دستمزد عامل ایجاد «تورم» نیست.
علی نصیری‌اقدم، اقتصاد دان با اشاره به اینکه افزایش حقوق کارگران نمی‌تواند موجب افزایش تورم شود گفت:مطالعات آماری در این زمینه نشان می‌دهد باید از طرف عرضه و تقاضا تفکیک صورت گیرد.
وی استدلال کرد: ۴۵درصد افزایش حداقل دستمزد، یعنی فقط ۳میلیون تغییر در کف حقوق ۷میلیون تومانی کارگر، اما برای یک استاد دانشگاه، فقط ۲۴درصد افزایش حقوق، یعنی اضافه شدن ۱۱میلیون به حقوق ماهانه. پس اساسا افزایش دستمزد، تنها در سطوح درآمدی بالاتر، بر اقتصاد تاثیر می‌گذارد و تفاوت‌ها در حداقل حقوق اصلا در اندازه‌ای نیست که بخواهد به تورم منجر شود.
نصیری اقدم گفت: برخی معتقدند زمانی که دستمزدها افزایش می‌یابد مردم چون زیاد خرید می‌کنند بنابراین باعث افزایش تقاضا و گرانی کالاها خواهد شد، این در حالی است که شواهدی در این زمینه وجود ندارد و افزایش حقوق کارگران منجر به تورم نخواهد شد. مطالعات اقتصادسنجی نیز نشان می‌دهد بواسطه افزایش تقاضا، قیمت‌ها افزایش نمی‌یابد. تورم به قدری در خنثی شدن افزایش مزد موثر است که برخی از نمایندگان کارگران پیشنهاد به روز رسانی دستمزد برای هر۳ماه یکبار را دارند. سعید فتاحی،مشاور کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران با اشاره به مشکلات کارگران گفت:کاش جلسات شورای عالی کار هر سه ماه یکبار برگزار شود و متناسب با تورم حقوق تعیین شود.

اقتصاد ایران

بازگشت مشورت‌های IMF به ایران

صندوق بین‌المللی پول با درخواست بانک مرکزی برای کمک فنی در هدفمندسازی انرژی موافقت کرده است؛ اقدامی که یادآور تجربه قبلی ایران در اجرای توصیه‌های این نهاد است، تجربه‌ای که با تحسین آغاز شد، اما به تورم، جهش ارزی، کسری بودجه و نارضایتی انجامید. اخیراً صندوق بین‌المللی پول IMF با درخواست بانک مرکزی برای ارائه کمک فنی «هدفمندسازی انرژی» موافقت کرده است. آن نهاد آمادگی دارد در بازه زمانی ۷ تا ۲۱ خرداد این کمک فنی را با برگزاری جلسات حضوری در یکی از مراکز صندوق (اتریش یا سنگاپور) ارائه نماید، این در حالی است که بررسی سیاست‌ها و مشورت‌های این نهاد بین‌المللی به کشورهای در حال توسعه، به‌وضوح نشان می‌دهد که حضور این نهاد در اکثر کشورها نه‌تنها کمکی به بهبود وضعیت نکرده بلکه منجر به آشفتگی بیشتر اقتصاد آن‌ها شده است.
لازم به ذکر است در دهه‌های گذشته، صندوق بین‌المللی پول (IMF) به یکی از اصلی‌ترین نهادهای بین‌المللی در زمینه طراحی سیاست‌های اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است. کشورهایی که با بحران‌هایی مانند کسری بودجه مزمن، تورم بالا یا کاهش رشد اقتصادی مواجه بوده‌اند، بارها برای دریافت وام و مشاوره اقتصادی به این نهاد مراجعه کرده‌اند، با این حال، اجرای سیاست‌های پیشنهادی این صندوق، موسوم به «اصلاحات ساختاری»، در بسیاری از کشورها نه‌تنها به بهبود شرایط منجر نشده، بلکه گاه بحران‌ها را تشدید کرده است.
سیاست‌های پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول معمولاً شامل کاهش یا حذف یارانه‌ها، آزادسازی قیمت‌ها، انضباط مالی، خصوصی‌سازی، و کاهش دخالت دولت در اقتصاد است، این سیاست‌ها عمدتاً بر پایه نظریه‌های اقتصادی کلاسیک و نئولیبرال طراحی شده‌اند و هدف از آن‌ها، کارآمدتر کردن اقتصاد و کاهش فشار بر بودجه دولت است،
در ایران، یکی از بارزترین نمونه‌های پیروی نسبی از توصیه‌های صندوق، اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ بود، این طرح با هدف واقعی‌سازی قیمت حامل‌های انرژی، کاهش بار مالی دولت و توزیع عادلانه‌تر منابع طراحی شد. صندوق بین‌المللی پول از این طرح حمایت کرد و آن را گامی در جهت اصلاح ساختار اقتصادی ایران دانست.
در کوتاه‌مدت، برخی نتایج مثبت مشاهده شد؛ از جمله افزایش درآمد خانوارهای کم‌درآمد از محل یارانه نقدی و کاهش مصرف انرژی، اما در ادامه، با تداوم پرداخت‌های نقدی بدون تأمین مالی پایدار، رشد نقدینگی و شوک‌های ارزی، نه‌تنها اثربخشی طرح کاهش یافت، بلکه باعث تورم شدید، کسری بودجه ساختاری و بی‌ثباتی اقتصاد کلان شد. امروزه بسیاری از کارشناسان، طرح هدفمندی یارانه‌ها را نمادی از «اصلاحات ناقص» و اجرای ناهماهنگ سیاست‌های توصیه‌شده می‌دانند. گفتنی است در همان سال‌ها، کریستین لاگارد، رییس صندوق بین‌المللی پول در نامه‌ای از اقدام جمهوری اسلامی ایران در اجرایی کردن طرح «هدفمندی یارانه‌ها» تقدیر کرد و از این اقدام به‌عنوان الگویی مناسب برای بهره‌برداری سایر کشورها مخصوصاً کشورهای نفت‌خیز منطقه خاورمیانه یادکرد. ایران تنها کشوری نیست که تجربه تلخی از نسخه‌های صندوق داشته است، در ادامه به چند نمونه مهم اشاره می‌شود:
نسخه‌های اقتصادی صندوق بین‌المللی پول، اگرچه ممکن است در تئوری کارآمد به نظر برسند، اما در عمل، بدون در نظر گرفتن شرایط واقعی کشورها، می‌توانند پیامدهای مخربی داشته باشند. تجربه ایران، آرژانتین، یونان و مصر همگی نشان می‌دهند که سیاست‌های اقتصادی نمی‌توانند در خلأ اجرا شوند. برای هر کشور، اصلاحات باید بومی‌سازی شود و به‌جای تکیه بر فرمول‌های تکراری، بر واقعیت‌های ساختاری، سیاسی و اجتماعی آن کشور استوار گردد.

اقتصاد شرطی، پیامد نبود سیاست اقتصادی منسجم در کشور

نوسان شدید شاخص بورس در واکنش به اخبار سیاسی بار دیگر چهره شرطی‌شده اقتصاد ایران را عیان کرد؛ اقتصادی که به‌جای اتکا به واقعیت‌های درونی، با هر سیگنال مثبت یا منفی از مذاکرات خارجی، دچار هیجان و بی‌ثباتی می‌شود.
اقتصاد ایران بار دیگر نشان داد که تا چه‌اندازه به اخبار سیاسی، به‌ویژه اخبار مربوط به مذاکرات با غرب، وابسته و «شرطی» شده است، کوچک‌ترین سیگنال مثبت یا منفی از روند مذاکرات کافی است تا بازارهای مالی، سرمایه‌گذاران و حتی سیاست‌گذاران، دچار هیجان‌های شدید و بعضاً غیرمنطقی شوند؛ وضعیتی که برای یک اقتصاد سالم، پایدار و مقاوم، نگران‌کننده است.
در تازه‌ترین نمونه از این واکنش‌های هیجانی، شاخص کل بورس تهران روز شنبه با ریزش ۶۱ هزار واحدی مواجه شد؛ آن هم درست پس از هفته‌ای مثبت که با رشد ارزش معاملات و صف‌های خرید پررنگ در بیشتر نمادها به پایان رسیده بود. در آخرین روز کاری هفته گذشته، اغلب سهام بازار در صف خرید بسته شدند، اما اکنون، تنها با انتشار اخباری نه‌چندان قطعی از فضای سیاسی کشور، ورق برگشته است و بیشتر نمادها با صف فروش سنگین مواجه‌اند. این وضعیت نشانه‌ای روشن از شرطی‌شدن مزمن اقتصاد ایران به رویدادهای سیاسی و به‌ویژه مذاکرات هسته‌ای و روابط خارجی است. به‌گفته کارشناسان، نبود ثبات در سیاست‌گذاری اقتصادی، وابستگی بودجه به متغیرهای خارجی، و نبود چشم‌انداز مشخص برای سرمایه‌گذاران، باعث شده بازارها به‌جای تحلیل واقعی، به شایعات و تیترهای خبری واکنش نشان دهند.
بازار سرمایه تنها یک مثال است؛ بازار ارز، طلا و حتی خودرو نیز در ماه‌های اخیر بارها شاهد چنین واکنش‌های تند و ناپایداری بوده‌اند، پرسش مهم اینجاست؛ آیا زمان آن نرسیده است که اقتصاد ایران به‌جای شرطی‌بودن، مقاوم و پیش‌بینی‌پذیر شود؟
شرطی‌شدن اقتصاد به اخبار سیاسی، نشانه‌ای از ضعف ساختاری در سیاست‌گذاری داخلی و نبود نقشه راه بلندمدت در اقتصاد ایران است، در چنین شرایطی، بازارها نه بر پایه داده‌های بنیادین اقتصادی، بلکه بر اساس تیتر خبرها، مصاحبه‌ها و شایعات حرکت می‌کنند، این رفتار نشان می‌دهد که اعتماد عمومی به ثبات تصمیم‌گیری و مسیر اقتصادی کشور به‌شدت کاهش یافته است.
بازار سرمایه که به‌طور طبیعی باید آینه‌دار عملکرد واقعی بنگاه‌ها، سودآوری شرکت‌ها، و متغیرهای کلان اقتصادی باشد، در اقتصاد شرطی ایران، بیشتر به یک صحنه شرط‌بندی شبیه شده است؛ جایی که سرمایه‌گذاران با یک خبر مثبت صف خرید می‌کشند و با کوچک‌ترین ناامیدی، بدون تحلیل، فرار می‌کنند.
نااطمینانی؛آفت‌سرمایه‌گذاری
این وضعیت علاوه بر آسیب به بازار سرمایه، ضربه سنگینی به فضای سرمایه‌گذاری در کشور وارد می‌کند، هیچ سرمایه‌گذاری ـ اعم از داخلی یا خارجی ـ در محیطی که با یک مصاحبه تلویزیونی یا یک شایعه تلگرامی همه‌چیز وارونه می‌شود، حاضر به ورود نیست. نااطمینانی سیاسی که به نااطمینانی اقتصادی سرایت کرده، ریسک سرمایه‌گذاری را بالا برده و موجب شده است سرمایه‌ها یا به بازارهای سفته‌بازانه پناه ببرند یا از کشور خارج شوند.
فقر در سیاست‌گذاری مستقل
یکی از ریشه‌های این بحران، نبود سیاست اقتصادی مستقل و منسجم در داخل کشور است. وقتی جهت‌گیری‌های اصلی اقتصادی ـ از بودجه‌نویسی گرفته تا بازار ارز و حتی حمایت‌های اجتماعی ـ تابعی از تحولات دیپلماتیک می‌شود، نتیجه چیزی جز نوسانات شدید، بی‌اعتمادی عمومی و فرار سرمایه نخواهد بود،
در واقع، اقتصاد شرطی به‌مثابه بیماری مزمنی است که باید با اصلاحات ساختاری، شفافیت سیاست‌گذاری، و تقویت نهادهای اقتصادی درمان شود. تا وقتی سیاست‌های اقتصادی کشور قابل پیش‌بینی نباشند و دولت‌ها نتوانند بدون تکیه بر امید به گشایش‌های خارجی برنامه‌ریزی کنند، اقتصاد ایران همچنان در تله هیجان و بلاتکلیفی گرفتار خواهد بود.

ریز وام پرداختی بانک ها در فروردین/سهم مردم عادی چقدر است؟

میلیارد ریال معادل ۸۶،۰ درصد کل تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب و کار است. همچنین سهم تسهیلات پرداختی در قالب خرید کالای شخصی توسط مصرف کننده نهایی (خانوار) مبلغ ۴۱۳،۰ هزار میلیارد ریال معادل ۴۲،۱ درصد از کل تسهیلات پرداختی به مصرف کنندگان نهایی (خانوار) می‌باشد.
سهم تسهیلات پرداختی بابت تأمین سرمایه در گردش بخش صنعت و معدن در فروردین ماه سال ۱۴۰۴ معادل ۱۴۹۷،۱ هزار میلیارد ریال بوده است که حاکی از تخصیص ۵۲،۵ درصد از منابع تخصیص یافته به سرمایه درگردش کلیه بخش های اقتصادی (مبلغ ۲۸۵۱،۱ هزار میلیارد ریال) می‌باشد. ملاحظه می‌شود از ۱۵۶۲،۳ هزار میلیارد ریال تسهیلات پرداختی در بخش صنعت و معدن معادل ۹۵،۸ درصد آن (مبلغ ۱۴۹۷،۱ هزار میلیارد ریال) در تأمین سرمایه در گردش پرداخت شده است که بیانگر توجه و اولویت‌دهی به تأمین منابع برای این بخش توسط بانک‌ها در سال ۱۴۰۴ می‌باشد.
شبکه بانکی طی فروردین ماه مبلغ ۴۲۹.۴ همت تسهیلات پرداخت کرده که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل مبلغ ۱۷۲.۸ همت معادل ۶۷.۴ درصد افزایش داشته است.بانک مرکزی اعلام کرد: شبکه بانکی طی فروردین ماه سال ۱۴۰۴ مبلغ ۴۲۹،۴ همت تسهیلات پرداخت کرده است که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل مبلغ ۱۷۲،۸ همت معادل ۶۷،۴ درصد افزایش داشته است. ۹۸ همت از این تسهیلات به همراه بخشی از تسهیلات در قالب کارت های اعتباری معادل ۲۳،۷ درصد به مصرف کنندگان نهایی (خانوار) تعلق گرفته است.تسهیلات پرداختی بانک‌ها طی فروردین ماه سال ۱۴۰۴ مبلغ ۴۲۹۴،۱ هزار میلیارد ریال می‌باشد که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل مبلغ ۱۷۲۸،۸ هزار میلیارد ریال (معادل ۶۷،۴ درصد) افزایش داشته است. از کل تسهیلات پرداختی، مبلغ ۳۳۱۴،۰ هزار میلیارد ریال معادل ۷۷،۲ درصد به صاحبان کسب و کار (حقوقی و غیرحقوقی) و ۹۸۰،۲ هزار میلیارد ریال معادل ۲۲،۸ درصد به مصرفکنندگان نهایی (خانوار) تعلق گرفته است.گفتنی است تسهیلات پرداختی فروردین ماه سال ۱۴۰۳ مبلغ ۲۴۰۷،۰ هزار میلیارد ریال بوده است که با در نظر گرفتن تعدیلات صورت پذیرفته توسط شبکه بانکی به مبلغ ۲۵۶۵،۴ هزار میلیارد ریال افزایش یافته است. سهم تسهیلات پرداختی در قالب سرمایه در گردش در کلیه بخش‌های اقتصادی طی فروردین ماه سال ۱۴۰۴ مبلغ ۲۸۵۱،۱ هزار میلیارد ریال معادل ۸۶،۰ درصد کل تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب و کار است. همچنین سهم تسهیلات پرداختی در قالب خرید کالای شخصی توسط مصرف کننده نهایی (خانوار) مبلغ ۴۱۳،۰ هزار میلیارد ریال معادل ۴۲،۱ درصد از کل تسهیلات پرداختی به مصرف کنندگان نهایی (خانوار) می‌باشد.
سهم تسهیلات پرداختی بابت تأمین سرمایه در گردش بخش صنعت و معدن در فروردین ماه سال ۱۴۰۴ معادل ۱۴۹۷،۱ هزار میلیارد ریال بوده است که حاکی از تخصیص ۵۲،۵ درصد از منابع تخصیص یافته به سرمایه درگردش کلیه بخش های اقتصادی (مبلغ ۲۸۵۱،۱ هزار میلیارد ریال) می‌باشد. ملاحظه می‌شود از ۱۵۶۲،۳ هزار میلیارد ریال تسهیلات پرداختی در بخش صنعت و معدن معادل ۹۵،۸ درصد آن (مبلغ ۱۴۹۷،۱ هزار میلیارد ریال) در تأمین سرمایه در گردش پرداخت شده است که بیانگر توجه و اولویت‌دهی به تأمین منابع برای این بخش توسط بانک‌ها در سال ۱۴۰۴ می‌باشد.
تسهیلات خرد (کمتر از ۳۰۰۰ میلیون ریال)
از کل تسهیلات پرداختی در دوره یاد شده، مبلغ ۹۸۰،۸ هزار میلیارد ریال معادل ۸۲۲،۸ درصد به صورت تسهیلات خرد اعطا شده است. همچنین مبلغ ۴۸،۰ هزار میلیارد ریال نیز در قالب کارت‌های اعتباری انجام پذیرفته است، که با احتساب این مبلغ، کل تسهیلات پرداختی خرد (کمتر از سه میلیارد ریال) به مبلغ ۱۰۲۸،۸ هزار میلیارد ریال معادل ۲۳،۷ درصد کل تسهیلات پرداختی را شامل می‌شود. شایان ذکر است با توجه به اینکه تسهیلات پرداختی در قالب کارت‌های اعتباری نیز در بخش خانوار پرداخت شده است، با این اوصاف سهم بخش خانوار از ۲۲،۸ درصد در جدول-۱، به ۲۳،۷ درصد کل تسهیلات پرداختی افزایش می‌یابد. شایان ذکر است که همچنان باید در تداوم مسیر جاری، ملاحظات مربوط به کنترل تورم را نیز در نظر گرفت و همواره مراقب قدرت گرفتن پتانسیل تورمی ناشی از فشار تقاضای کل در اقتصاد نیز بود. بر این اساس ضروری است به افزایش توان مالی بانک‌ها از طریق افزایش سرمایه و بهبود کفایت سرمایه بانک‌ها، کاهش تسهیلات غیرجاری و بازگرداندن آنها به مسیر صحیح اعتباردهی بانک‌ها، افزایش بهره‌وری بانک‌ها در تامین سرمایه در گردش تولیدی، پرهیز از فشارهای مضاعف بر دارایی بانک‌ها و ترغیب بنگاه‌های تولیدی به سمت بازار سرمایه به عنوان یک ابزار مهم درتامین مالی طرح‌های اقتصادی (ایجادی)توجه ویژه‌ای نمود.